



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۶ / ۰۵ / ۰۹

یونس نگاه

درجات طالبانی و مشکل مخرج مشترک

از دوستی پرسیدم به نظرش مکتب‌ها چه وقت باز خواهند شد؟ گفت: باز نمیشه. تا وختی اینا باشن، باز نمیشه. آگه می‌شد ده همتی پنج سال می‌شد.

ادامه داد: اینا بری بدنمای اسلام آمدن، بادارای‌شان هرچه بگوین همو ره می‌کنن. من سکوت کردم و چند لحظه و طندارم توضیح داد که چطور در بالا چند نفر از رهبری طالبان خریده شده و از یهود و نصارا دستور می‌گیرند و پایینی‌ها یا نمی‌دانند یا اگر یگان تا دانسته باشند تیر خود می‌آورند.

گفتم: مردم در این ارتباط نظرات متفاوت دارند. برخی‌ها می‌گویند طالبان و در مجموع جهادگرایی از سوی غرب تقویت شده و واقعا حاصل یک پروژ هاند، ولی خود طالبان صاحب کتاب و حساب هستند و بستن مکتب و محدودیت‌های دیگر را از روی کتاب و برداشت خود از اسلام می‌کنند.

گفت کو ده قرآن کی گفته شده که دختران مکتب نخوانن، و از دوران حضرت محمد مثال‌هایی از حضور زنان در جنگ و تجارت و زندگی اجتماعی یاد کرد.

گفتم: قرآن در یک عصر دیگر، از زندگی و قواعد آن گپ زده و پس از آن اسلام در جریان تجربه و سیاست و زوبند شکل گرفته است. از این‌رو خیلی چیزها در اسلام هست که در قرآن نیست. مسلمانان کتاب‌های منبع دیگری غیر از قرآن هم دارند.

گفت: این چطور اسلام است که فقط طالبان بلدند؟ چرا در دیگر کشورهای اسلامی این اسلام نیست؟ گفتم: اسلام با توجه به ظرفیت جوامع متنوع است. در ایران یکرقم، در عربستان دیگه رقم و در افغانستان این‌طوری شده است. در ایران فایل صوتی امام خمینی از اوایل انقلاب هست که گفته بود دانشگاه و دانشگاهیان مایه شرنده. در عربستان تا چند سال پیش مانع حقوق اولیه زنان از جمله رانندگی می‌شدند. در ایران مردم طی این نزدیک به پنج‌دهه دایم با ملاها دست به یخن بوده و ده‌ها هزار تن در درگیری برای گرفتن حقوق اولیه خود از دست ملاها کشته داده‌اند. حالا هم این کشمکش جریان دارد. طالبان امروز «موفق‌ترین» ملاها در تطبیق اسلام استند. اگر در عربستان و ایران نیز جامعه ضعیف باشد و مردم نتوانند حقوق خود را به زور از چنگ ملاها بگیرند، چیزی شبیه وضعیت افغانستان تحمیل می‌شود.

و طندارم که آدم با حوصله است و حاضر به ادامه بحث بود بدون عصبانیت معمول در این بحث‌ها به آرامی پرسید: راستی خمینی هم‌تو گفته است؟

گفتم: بلی فایل‌اش در انترنیت هست و چیزهای دیگری هم گفته که مستند شده و شباهت زیاد به گفته‌های طالبان دارد. گفت: خو هرچه باشد ما و شما مسلمانیم باید تعلیم باشد ولی در چوکات اسلام. ما هم دوست نداریم زنان ما با مردان کار کنند، ولی حداقل با حجاب و در شرایط اسلامی، مثل ایران و عربستان، دیگه نشد تا صنف دوازده به دختران اجازه بتن که درس بخوانند. ازو بیشتر نشد خیر است. مادر باسواد خوب است، به درس و تربیت اطفال کمک می‌کند. گفتم: گپ در این است که شما از صنف دوازده به بالا طالب هستید، ولی طالبان از صنف شش به بالا. عده‌ای از و طنداران ما از پوهنتون به بالا طالب‌اند و می‌گویند تا پوهنتون هم زنان درس بخوانند ولی فقط معلمی کنند، داکتر و یگان کار دیگری که با فرهنگ و دین ما ده تکر نباشد.

گفت: تو خودت چه می‌گی و ده کدام درجه طالبی؟

سوال سخت کرده بود و خواستم تیر خود بیاورم. گفتم: من می‌گویم زنان و مردان حق انتخاب داشته باشند که چه بخوانند و کجا کار کنند. ما مردان نباید به جای زنان تعیین کنیم که چه کنند و چه نکنند. ولی در شرایط افغانستان این ایده‌آل من فعلا عملی نیست و باید یک راه وسط پیدا شود تا با توجه به سطح تحمل جامعه زمینه تعلیم و آزادی برای همه فراهم شود.

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکي په خیر و لولی

گفت: نی تو هم حتما کدام چوکات برای خانواده و جامعه در ذهنات داری و یک جای حتما می‌گویی که از این بیشترش خوب نیست.

چرت زدم و گفتم: سقفی که من پس از آن طالب می‌شوم شاید خانواده باشد. فکر می‌کنم حفاظت از واحد خانواده مهم است. خانواده نباید قربانی قبیله، دولت یا حتی فرد شود. به نظر من مهم‌ترین عنصر جامعه انسانی خانواده است. متأسفانه در جامعه سرمایه‌داری دولت‌ها و شرکت‌ها برای انحصار منابع و کنترل آدم‌ها، هسته خانواده را تضعیف و در مواردی نابود کرده‌اند. بی‌خانودگی خطر بزرگی برای بشریت است. فعلا دولت و شرکت دو قوی‌ترین و مقدس‌ترین نهادهای اجتماعی شده‌اند. درحالی که چیزی بنام تقدس اگر وجود داشته باشد باید از پایین به بالا رتبه‌بندی شود. خشت اول یا هسته وجود انسانی، فرد است. هر فرد انسان باید مقدس باشد و حقوق و آزادی‌های آن احترام شود. بعد از آن حجره جامعه انسانی خانواده است که باید در درجه دوم اهمیت و اولویت و صلاحیت قرار گیرد. بعد از آن نهادهای قراردادی دیگری چون انجمن و خیل و حزب و شرکت و دولت قرار گیرند.

گفت: من هم به تقدس خانواده باور دارم و به همان دلیل می‌گویم زن باید به تربیت کودک و حفظ این هسته تمرکز کند.

گفتم: برداشت ما و شما از خانواده و تقسیم کار بین مرد و زن یکی نیست. ما به دلایل متفاوت به اهمیت خانواده تاکید داریم و ظاهراً طالبان نیز مبنای استدلال‌شان در اعمال آن محدودیت‌ها، حفاظت از خانواده است. از این نظر همه ما از چشم آنانی که به خانواده باور ندارند، طالب‌ایم.

گفت: دلیل خودت برای اهمیت خانواده چیست؟

گفتم: دلیل من ضرورت اجتماعی و بقاست. قراردادهای اجتماعی کلانی چون دولت و شرکت بسیار متزلزل‌اند و تجربه نشان داده است که این نهادها بسیار مستعد بحران و فروپاشی می‌باشند. اگر خانواده زنده و استوار باشد، انسان‌ها فروپاشی‌های شرکتی و حکومتی را تاب می‌آورند و توانایی بازسازی اجتماعی خود را از دست نمی‌دهند. استقلال و «تقدس» فرد و خانواده راز بقا و ضامن پیروزی جمعی است. اگر در بست خود را به شرکت و دولت و کلیسا و مدرسه و اگذار کنیم و فردیت و اولین هسته اجتماعی (خانواده) را تضعیف نماییم، حتی اگر برای مدتی قدرت جمعی و پیشرفتی بدست آید، آینده خوب ندارد.

وطن‌دار گفت: زیاف پیچیده می‌کنی. یکی و خلص بگو که کلگی ما طالب‌ایم، ولی درجات ما فرق می‌کنه.

بعد پرسید چی راه چاره چیست؟

گفتم: کجا؟

گفت: افغانستان

گفتم: یافتن مخرج مشترکی که بتواند برای اکثریت ما که به درجات مختلف طالب‌ایم قابل تحمل باشد، ولی در عین حال حقوق اولیه ما و زمینه پیشرفت را فراهم کند.

گفت: ای هم از همو گپای جورنالیستی‌س. یک چیزی می‌گی که ده نوشته و گپ جور می‌یاه ولی ده عمل مانا نداره! مخرج مشترک شه باز کی گز کنه؟



آرشیف: نو یسنده در پورتال افغان جرمن آنلاین